

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۸ سپتمبر ۲۰۲۲

خشم و نفرت از گشت ارشاد کارساز نیست باید بهار ایرانی راه انداخت!

در پی اعلام جان باختن مهسا (ژینا) امینی، زن ۲۲ ساله کرد که بعد از بازداشت توسط گشت ارشاد تهران پیکر نیمه‌جان او تحویل بیمارستان کسری داده شده بود، تعدادی در اعتراض به این قتل حکومتی در مقابل بیمارستان تجمع کردند و توسط نیروی انتظامی حکومت آدمکش مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.



پس از کشتن مهسا امینی توسط وزارت ارشاد حکومت اسلامی، برخی رسانه‌ها و شخصیت‌ها، در واکنش به این قتل، خشم و نفرت عمومی از گشت ارشاد برجسته کردند. در حالی که دادن چنین آدرسی پوچ و بی‌معنی است و حکومت اسلامی جنایت‌کار و تبهکار را از تعرض عمومی دور می‌کند و آدرس غلط می‌دهد.

همزمان با ویدیوهایی که جمعه ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده نشان از جو سنگین امنیتی در مقابل بیمارستان کسری، محلی که مهسا امینی در آن بستری بوده و جان باخت، منتشر شده است.

در ۴۳ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، چنین خشم و نفرتی بارها تکرار شده و پس از چند روز فراموش شده است. بنابراین هدف اصلی اعتراض مردمی باید کلیت این حکومت تبهکار و مافیایی را مدنظر داشته باشد.

رسانه‌های اجتماعی، یک دهه پیش برای مدتی کوتاه به معترضان جوان «بهار عربی» همچنان که اقدام انقلابی آن‌ها در فضای مجازی انعکاس می‌یافت، به سرنگون کردن حکومت دیکتاتوری شایانی کمک کرد.

به گزارش خبرگزاری‌ها، حکومت‌ها در سراسر شمال آفریقا و خاورمیانه در حالی غافلگیر شدند که سرآغاز قیام‌های مردمی با سرعت اینترنت و از طریق فیس‌بوک، یوتیوب و توئیتر گسترش پیدا کرد.

برای جلوگیری از این جنبش‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه، دولت‌های مستبد از آن زمان در رقابت بر سر تسلیحات دیجیتالی جلو آمده و نظارت‌های سایبری، سانسورگری اینترنتی و لشکر سایبری را به زرادخانه‌های تسلیحاتی خود اضافه کردند.

هر چند که بهار عربی برای بسیاری یک بارقه مختصر امید آزید و رسیدت به یک زندگی بهتر را نوید داد در پایان با کودتاها و جنگ‌های خونین پیمان نظامی ناتو در راس همه دولت آمریکا، با راه‌انداختن جنگ‌های مداوم و ویران‌گر از جمله در لیبی، سوریه، یمن، عراق و... منجر شد.

با این وجود، این قیام‌ها یک نقطه عطف تاریخی مهمی در مبارزات مردم بود که طی آن، دیجیتال دوران «اعتراضات هشتگی» از جنبش اشغال وال استریت گرفته تا اعتراضات چتری هنگ‌کنگ و جنبش سیاهپوستان، حلقه زردهای فرانسه، میتو و... را به جریان انداختند.

این اعتراضات عمدتاً از رهبر جمعی برخوردار بودند و وابسته به شبکه‌های اجتماعی، همچون تجمعات ناگهانی بروز پیدا کرده که این کار را برای مقام‌ها و نهادهای حکومتی برای سرکوب کردن‌شان سخت‌تر می‌کند.

سامی بن غربی، یک فعال معترض سابق تونس که اداره کننده یک وبلاگ از تبعید بود و در زمان قیام ۲۰۱۰ به خانه بازگشت گفت: بلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی زنده جرقه نبودند اما آن‌ها از جنبش‌های اجتماعی حمایت کردند. آن‌ها یک سلاح ارتباطی عالی بودند.

در واقع جرقه بهار عربی از خودکشی غم‌انگیز محمد بوعزیزی، دست‌فروش ۲۶ ساله تونس زده شد؛ کسی که از بابت این‌که قربانی تحقیر و تقلب مقام‌های دولتی شده بود دست به خودسوزی زد.

هر چند که این اقدام او از روی استیصال در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ خشمی را در جهان واقعی ابراز کرد که از سوی میلیون‌ها نفر به اشتراک گذاشته شد، این جهان ارتباطات مجازی بود که همچون آتش‌سوزی، موجب گسترش خشم و امید برای تغییر شد.

خودسوزی بوعزیزی مورد فیلم‌برداری قرار نگرفت اما ویدیوهای اعتراضات خیابانی متعاقب آن و خشونت‌های پلیس علیه معترضان پخش شدند؛ خشونت‌هایی که هدفشان سرکوب معترضان از طریق ترس بود اما به جایش خشم بیش‌تر را در پی داشتند.

پیروزی قیام مردم در تونس، خیلی زود باعث راه افتادن زلزله سیاسی در مصر، لیبی، الجزیره، سوریه، یمن و... قدرت حوزه شمال آفریقا شد.

زین‌العابدین بن‌علی دیکتاتور تونس در ژانویه ۲۰۱۱ از کشورش فرار کرد.

همچنان که رسانه‌های حامی حکومت‌های مستبد اطلاعات دروغ را مطرح می‌کنند، سیل اخبار ساختگی نیز در اینترنت راه می‌اندازد؛ فضایی که مردم آگاه به آن به چشم یک پناهگاه برای فرار از سانسورگری و پروپاگاندای دولتی نگریده‌اند.

رومن لاکونت، یک محقق گفته است، حکومت‌ها خیلی زود توانستند به «گفت‌وگوهای اینترنتی نفوذ کنند» در خصوص گزارش‌های مربوط به سوءاستفاده‌ها تردید اشاعه دهند و «سردرگمی و اطلاعات دروغ بکارند».

او افزود: «استفاده سیاسی گسترده از اینترنت یک تغییر دهنده بازی بود.»

سعید ۲۸ ساله در ژوئن ۲۰۱۰ در بازداشتگاه پلیس جان باخت. تصاویر جسد او در حالی در فضای مجازی گسترش پیدا کرد در حالی که مقام‌ها ادعای باور نکردنی دیگری در خصوص مرگش مطرح کردند.

در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱، «جمعه خشم» دولت دستور به قطعی سراسری اینترنت و خدمات تلفن همراه داد اما دیگر خیلی دیر شده بود.

اگر عبارت «بهار عربی» منعکس کننده امیدها برای آزادی بود. از آن تاریخ تاکنون، دولت‌های عرب و غیرعرب همچون حکومت اسلامی ایران، سریعاً به ابزارهای سایبری مجهز شده و از رسانه‌های اجتماعی استفاده تسلیحاتی کرده و به سختی فعالان اینترنتی را سرکوب کردند.

در مصر دولت عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور این کشور تقریباً همه مخالفان را سرکوب کرده، صدها وبسایت را مسدود کرده و کاربران شبکه‌های اجتماعی را شامل اینفلوئنسرهای نوجوان اپلیکیشن ویدیویی تیک تاک به زندان انداخته است.

در جنگ لیبی که ناتو راه انداخت، هنوز هم ادامه دارد و میانجی‌گرهای سازمان ملل اخیراً از دو طرف درگیری خواستند نه فقط سلاح‌هایشان را زمین بگذارند بلکه دست از استفاده از اینترنت برای اشاعه «سخنرانی‌های مروج نفرت و تحریک به خشونت» بردارند.

پس از این که حکومت اسلامی با سرکوب انقلاب ۱۳۵۷ مردم به قدرت رسید علاوه بر اعدام‌های چند دقیقه‌ای هزاران زندانی سیاسی، زنان و مردان بسیاری به دلیل ضرب و شتم و تجاوز در حین بازداشت و یا عدم رسیدگی پزشکی در زندان جان باختند.

حدود یک سال پیش سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی نام و مشخصات ۲۲ زندانی ایرانی را اعلام کرد که در ۱۱ سال گذشته بر اثر «شکنجه و بدرفتاری» هنگام بازداشت کشته شده‌اند.

درباره زنان و مردانی که در دهه ۶۰ به دلیل ضرب و شتم و شکنجه و یا عدم رسیدگی پزشکی در زندان جان باخته‌اند اما گزارش‌های کمتری منتشر شده است.

زندانیان سیاسی دهه شصت از جمله پروین آبکناری یاد می‌کنند که پس از حدود ۱۲ ساعت که در حالت مرگ قرار داشت به بهداری منتقل شد و جان باخت.

زهره بنی‌یعقوب دانش‌آموز در مدرسه تیزهوشان درس خوانده بود. زهره بنی‌یعقوب که در یکی از روستاهای اطراف همدان دوره طرح پزشکی خود را می‌گذراند روز ۲۰ مهر ۱۳۸۶ در حالی که همراه نامزد خود به پارکی در شهر همدان رفته بود، دستگیر و به بازداشتگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر انتقال داده شد.

ماموران بازداشتگاه دو روز بعد اعلام کردند که او با استفاده از پارچه یک پلاکارد تبلیغاتی در راهروی طبقه دوم بازداشتگاه خودکشی کرده است.

گزارش اولیه پزشکی قانونی زمان مرگ را حدود ساعت نه شب بیست و یکم مهر اعلام کرد. ابوالقاسم بنی‌یعقوب، پدر زهره بنی‌یعقوب هر گونه احتمال خودکشی زهره را رد می‌کند و می‌گوید دخترش نیم ساعت پس از زمانی که ابتدا به‌عنوان زمان مرگ اعلام شده بود، از درون بازداشتگاه با برادر خود تماس تلفنی داشته و روحیه او به گونه‌ای نبوده که بخواهد خودکشی کند.

پدر زهره بنی‌یعقوب گفته بود که «جلوی ساق پا و بالای ران بدن دخترک کبود بود. بینی و گوش‌هایش نیز پر از خون بود.»

زهره کاظمی، خبرنگار ایرانی کانادایی، دوم تیر سال ۱۳۸۲ در حین عکاسی از تجمع گروهی از خانواده زندانیان در مقابل زندان اوین بازداشت شد. او ششم تیر به بیمارستان منتقل شده و ۱۹ تیر فوت کرد. پس از ۱۴ سال، علی یونسی، وزیر اطلاعات دولت خاتمی، سعید مرتضوی دادستان وقت را مسئول کشته شدن او معرفی کرد.

علی یونسی، وزیر اطلاعات دولت خاتمی سال ۱۳۹۶ گفت که سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، با وجود مخالفت وزارت اطلاعات بر جاسوس بودن خانم کاظمی تاکید داشت.

محمد سیف‌زاده، یکی از وکلای این پرونده، در مصاحبه با بی بی سی فارسی گفت که در روز پنجم تیر، سه نفر از دادستانی به سلول خانم کاظمی رفتند و مشخص نیست که آن شب چه اتفاقی افتاد که خانم کاظمی بعد از آن بیهوش شد. او همچنین گفته بود که یک ضربه نیز در حین بازداشت زها را کاظمی به او زده شده است.

کمیسیون اصل نود مجلس اتهاماتی در ارتباط با این پرونده قتل متوجه مرتضوی ساخت و خواستار پاسخ‌گویی او شد. دادستان تهران اما این کمیسیون را دارای صلاحیت اظهارنظر درباره پرونده زها را کاظمی ندانست و اعلام کرد که پاسخ خود به اتهامات این کمیسیون را برای رئیس مجلس خواهد فرستاد.

دادرای امور جنایی تهران یکی از بازجویان وزارت اطلاعات را متهم به قتل شبه عمد زها را کاظمی کرد اما وزارت اطلاعات عامل قتل زها را کاظمی، یکی از کارکنان سازمان زندانها معرفی کرد که از او با عنوان م - ب یاد شده است. ابراهیم لطف‌اللهی دی ماه ۱۳۸۶ از سوی ماموران اطلاعاتی بازداشت شد و ۸ روز بعد به خانواده او گفته شد که خودکشی کرده است. ابراهیم لطف‌اللهی، دانشجوی سال چهارم رشته حقوق دانشگاه پیام نور سمنان در بازداشتگاه این شهر درگذشت و مسئولان اطلاعات سمنان، علت مرگ او را خودکشی عنوان کردند.

ابراهیم لطف‌اللهی شانزدهم دی ماه ۱۳۸۶ به دستور شعبه سوم بازپرسی دادرای انقلاب سمنان پس از خروج از جلسه امتحان از سوی ماموران اطلاعاتی بازداشت شد و به گفته خواهرش، ۸ روز بعد به خانواده او گفته شد که خودکشی کرده است.

ستار بهشتی در آخرین روزهای زندگی خود در زندان، در نامه‌ای نوشته بود که «با مشیت و لگد، بسته شدن به میز و ضربه‌های لگد به سر» بازجویی شده است.

ستار بهشتی کارگر و وبلاگ نویس ۳۵ ساله، آبان ماه ۱۳۹۱ در خانه بازداشت و به مکان نامعلوم منتقل شد. وی ۹ روز بعد از بازداشت در رباط کریم دفن شد.

بعدها ۴۱ زندانی شهادت دادند که او در زندان شکنجه شده بوده تا اعتراف کند.

در پی درگذشت او، غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل ایران، در اظهار نظری وجود آثار کبودی بر بدن بهشتی را تایید کرد. پزشکی قانونی در اظهار نظری درباره این پرونده گفت که دو نظریه برای درگذشت ستار بهشتی وجود دارد که یکی عامل مرگ را ضرب و شتم و دیگری فشارهای روحی وارد شده به او می‌داند.

کاووس امامی از فعالان شناخته شده محیط زیست ۴ بهمن ۱۳۹۶ به اتهام جاسوسی دستگیر شد، بعدتر قوه قضاییه ایران اعلام کرد که او در ۱۹ بهمن ۱۳۹۶ در زندان اوین «خودکشی» کرده است.

کاووس امامی، استاد جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق در زندان اوین و گفته مقام‌های قضایی که او خودکشی کرده، بحث‌های زیادی را برانگیخته است. گروهی از شخصیت‌های سیاسی، فعالان مدنی و کاربران شبکه‌های اجتماعی، مرگ آقای سیدامامی در زندان را مشکوک خوانده‌اند و خواهان تحقیق در این زمینه شدند.

تابستان سال گذشته تعدادی مرگ‌های مشکوک در زندان‌های ایران رخ داد و از جمله آن‌ها مرگ مشکوک شاهین ناصری بود که از او به‌عنوان شاهد شکنجه نوید افکاری یاد می‌شود و با وجود فشارهای امنیتی شهادت داده بود نوید افکاری، کشتی‌گیر ایرانی «برای اعتراف اجباری به قتل، وحشیانه شکنجه شده است».

فرهاد سلیمانپور، یکی دیگر از زندانیان این زندان در فایل صوتی که برای رسانه‌ها فرستاده، گفته بود که: «با دستور وزارت اطلاعات ایران ساعت شش و نیم عصر ۲۲ شهریورماه آقای ناصری به افسر نگهبانی احضار می‌شود و سپس به سلول انفرادی به نام «سوئیت» برده می‌شود.»

در نهایت قوه قضاییه علت فوت شاهین ناصری را «مسمومیت دارویی» اعلام کرد. تابستان سال گذشته سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی نام و مشخصات ۷۲ زندانی ایرانی را اعلام کرده که به گفته این نهاد در یازده سال گذشته بر اثر «شکنجه و بدرفتاری» هنگام بازداشت کشته شده‌اند. به گفته این نهاد حقوق بشری مستقر در لندن، از ژانویه سال میلادی ۲۰۱۰ تا کنون، دستکم ۷۲ مورد مرگ در ۴۲ زندان و بازداشتگاه در ایران گزارش شده است.

بسیاری از این افراد بین ۲۰ تا ۳۵ سال دارند و بر اساس این گزارش بر اثر «شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها یا استفاده مرگبار از سلاح گرم و گاز اشک‌آور توسط مقامات» کشته شده‌اند.

گزارش‌ها حاکی است که شاهرخ زمانی، از فعالان جنبش کارگری ایران، روز یکشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۹۴، در زندان رجایی شهر کرج جان باخت. نهادهای حکومتی مرگ شاهر را «به‌علت سکتة مغزی» اعلام کردند.

وبسایت هرازا قول یک «منبع مطلع» نوشته است روز یکشنبه پس از آن‌که شاهرخ زمانی برای هواخوری ظهر حاضر نشد، هم‌بندی‌های او با رفتن سر تختش متوجه شده‌اند که او درگذشته است. براساس این گزارش، تشخیص اولیه بهداری زندان در مورد علت مرگ این زندانی، سکتة مغزی بوده است.

زمانی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۹۲ به زندان‌های یزد، تبریز، رجایی شهر کرج، بار دیگر تبریز، قزل‌حصار کرج و سرانجام در سال ۱۳۹۳ دوباره به زندان رجایی‌شهر انتقال یافت. شاهرخ زمانی در سال ۱۳۷۲ نیز به جرم فعالیت غیرعلنی سندیکای نقاشان ۱۸ ماه زندانی شده بود.

بنابر همین گزارش‌ها، شاهرخ زمانی پنجمین سال حبس خود را «بدون مرخصی می‌گذرانده» و طی این مدت حتی اجازه حضور در مراسم ازدواج دخترش یا خاکسپاری مادرش را هم نیافته بود.

آخرین بار در خردادماه سال ۹۰ در تبریز بازداشت شد و ۳۶ روز را در زندان انفرادی محبوس بود و سپس در دادگاه انقلاب تبریز به جرم «تبلیغ علیه نظام، تلاش برای ایجاد سندیکای کارگران نقاش و تشکیل گروهی به قصد برهم زدن امنیت ملی» به ۱۱ سال زندان محکوم شد.

برپایه این گزارش‌ها، زمانی چند بار در طول حبسش در زندان تبریز در بندهای زندانیان غیرسیاسی بهسر می‌برده و بارها دست به اعتصاب غذا زده بود.

این فعال کارگری در طول حبسش در نامه‌ای خطاب به «سندیکاها، نهادهای حقوق بشری، انسان‌های آزادی‌خواه و احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران»، از «تهدید، ارباب و رفتار غیرقانونی» با خود و «شکنجه‌های» جسمی و روحیش در زمان بازداشت و بازجویی‌ها سخن گفته بود.

مهسا(ژینا) امینی، اهل سقز برای سفر با خانواده خود به تهران آمده بود که پس از بازداشت توسط گشت ارشاد و انتقال به بازداشتگاه وزرا، بر اثر ضرب و جرح به‌دست ماموران گشت ارشاد دچار مرگ مغزی شده و پس از آن در بیمارستان کسری جان باخت.

حکومت اسلامی ایران پیش از این نیز بارها در برخوردهایی بسیار خشن، با زنانی که به ادعای آن‌ها «بدحجاب» هستند برخورد کرده است. ویدیوهایی که در ماه‌های اخیر از زیرگرفتن یک مادر که فرزندش را گشت ارشاد با خود می‌برد و فریادهای او که گفته بود «دخترم مریض است»، اعتراضات بسیاری را ایجاد کرده بود.

همچنین اخبار مربوط به شلیک گشت ارشاد به پای رضا مرادخانی، عضو تیم ملی بوکس ایران که در فروردین ماه با همسر و فرزند ۱۱ ماهه اش برای پیاده روی به پارک پردیسان تهران رفته بودند نیز مخالفت های بسیاری را حتی در میان خود نیروهای وفادار به حکومت اسلامی ایران ایجاد کرد.

اکنون زمان آن رسیده است که قتل مهسا امینی را به موجی از اعتراض برای سرنگونی حکومت آدمکش اسلامی تبدیل کرد. مسبب قتل مهسا نه گشت ارشاد و نیروی انتظامی و شکنجه گران، بلکه کلیه دم و دستگاه مافیایی حکومت اسلامی است که در راس آن جانیان معروفی همچون خامنه ای و رئیسی قرار دارند. تمام این دم و دستگاه ضد انسانی تنها با انقلاب عظیم مردمی شکسته خواهد شد.

این جنایت آشکار حکومت را نه تنها توسط مردم سقز و کردستان، بلکه باید توسط مردم آگاه سراسر کشور، مورد اعتراض و اعتصاب عمومی قرار گیرد. قتل مهسا را نباید همانند قتل های قبلی حکومت، با تجمعات کوچک و زودگذر محدود کرد باید با اعتراضی سراسری گسترده و تعرضی در سراسر کشور، پاسخ داد.

مهسا(ژینا) امینی، برای یک سفر تفریحی از سقز به تهران رفته بود، چنان مورد ضرب و شتم نیروهای حکومتی گشت ارشاد قرار گرفت که در همان ساعات اول دستگیری به کما رفت و پس از دو روز جدال با مرگ جان باخت.

آدمکشان گشت ارشاد حکومت تبه کار اسلامی، ساعت ۶ عصر روز ۲۳ شهریور ۱۴۰۱، مهسا را به جرم عدم رعایت حجاب اسلامی دستگیر کردند و او را به خودرو متجاوزان و تبه کاران کردند به طوری او را در همان خودرو مورد ضرب و شتم قرار دادند و به بازداشتگاه وزرا بردند. جنایت کاران حکومتی در آنجا نیز این دختر بی دفاع را به حدی مورد ضرب و شتم قرار دادند که به کما رفت. نیروی انتظامی برای سرپوش گذاشتن به این جنایت خود، اعلام کردند که مهسا به طور ناگهانی دچار عارضه قلبی شده است در حالی که به گفته خانواده مهسا، او هیچ گونه ناراحتی قلبی و یا بیماری دیگر نداشت.

اکنون و با توجه به تجارب تاریخی در کشورهای دیگر، خشم و نفرت از مقامات و یا نهادهای حکومت های دیکتاتوری و آدم کشی همچون حکومت اسلامی ره به جایی نمی برد و به همین دلیل، تجمعات میلیونی مردم و تداوم مبارزه آنها با هدف سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی می تواند افق و چشم انداز نوین و امید رهایی را در مقابل جامعه قرار دهد.

خشم و نفرت از گشت ارشاد کارساز نیست باید بهار ایرانی راه انداخت!

یاد مهسا امینی گرامی باد!

جمعه بیست و پنجم شهریور - سنبله - ۱۴۰۱ - شانزدهم سپتمبر ۲۰۲۲